

به نام خدا

موضوع:

چرایی و چگونگی

ارتقاء یا عدم ارتقاء (تکرار پایه) دانش آموزان

تهیه و تولید:

عذرا شریفی - شعله ابراهیمی نژاد - فاطمه معبودی - طیبه درسی

مقدمه



تکرار پایه پدیده ای است که سابقه ی دیرینه در نظام آموزشی جهان دارد. در تمام دنیا میزان وملاک هایی را در نظر می گیرند که بر اساس آن نسبت به ارتقاء یا عدم ارتقاء دانش آموزان تصمیم گرفته می شود. کسانی که قادر به کسب این ملاک ها نبودند به آنها فرصت تکرار پایه داده می شود تا با در مسیر یادگیری قرار گرفتن به هدف های مورد نظر برسند این شیوه در بسیاری از کشور های جهان عملا اجرا شده و می شود. می توان گفت که تکرار پایه شیوه ای است که برای دانش آموزانی به کار می رود که ضعف عملکرد تمصیلی داشته اند لذا برای کسب هدف های مداخلی و مهارتهایی لازم پایه ی مورد نظر را تکرار می نمایند .

تصمیم گیری درباره ی ارتقاء و تکرار پایه

بی تردید یکی از مهمترین ومساس ترین مداخله ها در جریان یادگیری رسمی در نظام آموزشی ما "تکرار پایه" است.



به طور کلی همان گونه که می توان در طول سال تمصیلی از اطلاعات به دست آمده از روند یادگیری دانش آموزان ، مداخله های مفید و مؤثری را سامان داد ، از این اطلاعات می توان در تصمیم گیری های مساس نیز استفاده نمود. یکی از مهم ترین تصمیم های آموزشی ، تصمیم گیری درباره ی ارتقا یا تکرار پایه مساس و سرنویشت ساز است . به طوری یک تصمیم گیری نادرست ، می تواند بر روند زندگی تمصیلی دانش آموز تأثیر مخرب داشته باشد.

مراحل تصمیم‌گیری در باره ی تکرار پایه

از آن جایی که اطلاعات جمع آوری شده در الگوی ارزش یابی کیفی - توصیفی عمدتاً کیفی هستند نمی توان درباره ی ارتقای تمصیلی دانش آموزان به شیوه ی سنتی تصمیم گیری نمود. مهم ترین تفاوت در این است که معلم یا گروهی از معلمان باید در این باره تصمیم گیری کنند.

جمع بندی نهایی اطلاعات تمصیلی دانش آموزان در پاسخ دادن به این سؤال که «ارتقا بلی یا فیر ؟» ، کار یک فرد آگاه و مسلط به مسائل تربیتی است و معلم چنین توانایی و تسلطی را عموماً دارد. فرایند رسیدن به تصمیم تکرار پایه از سه مرحله توصیف "تبیین و تمییز می گذرد.

اینک به شرح هر یک از هر یک از آنها و پرسش های مربوط به ان می پردازیم:

توصیف :

پرسش کلیدی در اینجا این است :

- "وضعیت تمصیلی دانش آموز چگونه است؟"
- "دانش آموز به چه سطحی از شایستگی در کسب اهداف یادگیری رسیده است؟"

تبیین:

- "دلایل ضعف یادگیری دانش آموزان کدام است؟"

تجویز:

- آیا راه هایی برای جبران و رفع ضعف های دانش آموز (نرسیدن به انتظارات آموزشی) وجود دارد ؟
- آیا تکرار پایه موجب جبران ضعف ها خواهد شد ؟

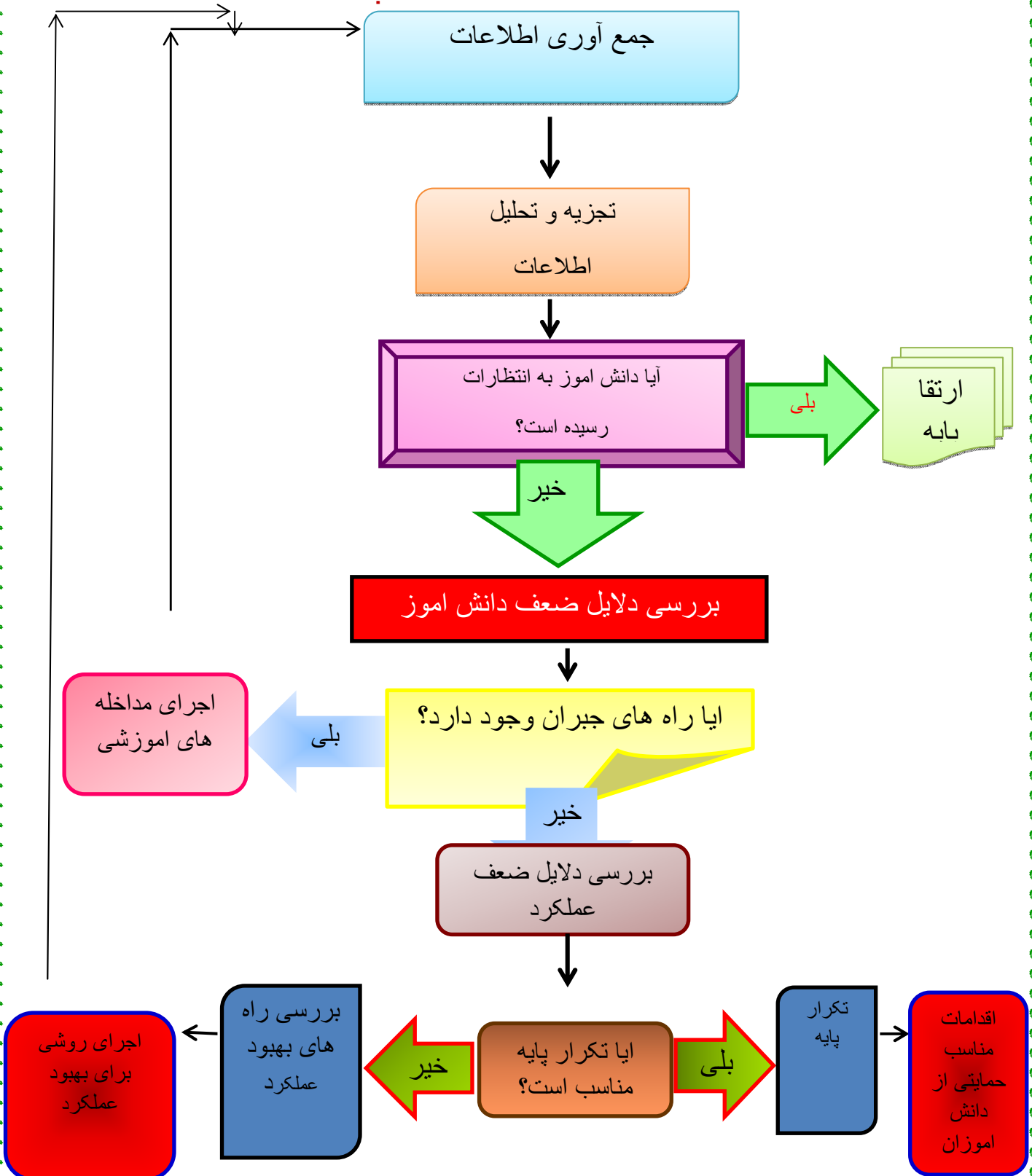
این پرسش ها به ترتیب باید توسط معلم و تصمیم گیرندگان درباره ی تکرار پایه ی یک دانش آموز پاسخ گفته شود .

در پرسش نخست ، معلم براساس تحلیل و تفسیر اطلاعات جمع آوری شده (در فرآیند یادگیری در طول سال تمصیلی درباره ی دانش آموز) دآوری می کند که دانش آموز به «مداقل انتظارات آموزشی» رسیده است یا نه . در صورتی که پاسخ معلم در این جا آری باشد برای ارتقای پایه ی دانش آموز به پایه ی بالاتر رسماً نظر می دهد.

و اگر شواهد [مکی از ضعف در تمامی انتظارات یا بیش تر آن هاست سؤال بعدی مطرح می شود . پاسخ این سؤال می تواند به مجموعه ای از توصیه ها ، فعالیت ها و برنامه ها منجر شود که برای جبران ضعف ها صورت گیرد و برای پیگیری و اجرای آن معلم ، مدرسه و والدین درگیر می شوند . میزان و نوع مشارکت این افراد به نوع ضعف و دلایل آن بستگی دارد .

تکرار پایه باید با نیاز آموزشی دانش آموزان متناسب باشد . در غیر این صورت ، تکرار پایه به جای این که سودمند باشد ، آسیب زا خواهد بود .

"روند نمای تصمیم گیری در باره ی ارتقا و تکرار پایه ی دانش آموزان"



این روند نما مراصل و گام هایی را نشان میدهد که به تصمیم گیری تکرار پایه منجر می شود در واقع این روند نما شکل تفصیل یافته ی سه گام (توصیف "تبیین و تمویز) است گام های نخست در مستطیل های اول و دوم آمده است. (یعنی جمع اوری و تجزیه تملیل اطلاعات) در حقیقت این دو گام در فرایند یادگیری طول سال تمصیلی رخ میدهد اطلاعات حاصل از فرایند یادگیری که به روش های مختلف جمع اوری شده توسط معلم مورد ارزیابی قرار می گیرد در طول سال با استفاده از این اطلاعات دانش آموزان در "معرض فطر" تکرار پایه یا افت تمصیلی شناسایی می شوند و از روند تمصیلی آنها مراقبت کامل به عمل می آید.

اما وقتی به پایان دوره ی یادگیری (سال تمصیلی) می رسیم اطلاعات جمع اوری شده جمع بندی می شود و عملکرد دانش آموز با انتظارات آموزشی مقایسه و تملیل می گردد این موقعیت در روند نما آمده است که در آن پرسش هایی این گونه مطرح شده است: "ایا دانش آموز به حداقل انتظار آموزشی رسیده است؟ ایا مهارت ها و قابلیت های اساسی و مورد نیاز کسب شده است؟" ضعف در قابلیت های اساسی متناسب با پایه های مورد نظر مثل مهارت های خواندن نوشتن و مساب کردن و مانند این ها در پیشرفت سال های بعد نقش منفی دارد .

روشن است بر اساس گزارش پیشرفت تمصیلی در بمت عملکرد درسی ریاضی و فارسی باید کودک در اکثر انتظارات به مد مطلوب رسیده باشد در حقیقت این عامل ملاک معرفی دانش آموز برای تکرار پایه نیز هست . تمقیقات نشان داده است که خواندن و نوشتن از جمله مهارت های اساسی است که پیشرفت تمصیلی در سال های بعد نقش مهمی بر عهده دارد. در ضمن این نکته قابل ذکر است که مهارت های مرتبط با هوش هیجانی از جمله مهارت های اساسی هستند که در نظام آموزشی ما مورد غفلت واقع مس شوند. این مهارت ها در کارکرد های شناختی و یادگیری دانش آموز نیز تاثیر به سزایی دارد.

اگر پاسخ سوالات بالا بلی باشد تصمیم بر ارتقای پایه قرار میگیرد اگر پاسخ فیر باشد لازم است اقدامات بعدی صورت گیرد بر این اساس توجه بر این موارد در زندگی دانش آموز ضروری است.

❖ آیا دانش آموز تجربه ی تکرار پایه داشته است؟

تمقیقات نشان داده است که افزایش تکرار پایه با افزایش امکان ترک تمصیل همراه می باشد "بنابر این برای کودکانی که یکبار در سال های قبل تکرار پایه داشته اند، نباید تکرار پایه بعد را یک مدافله مفید دانست ، بلکه باید اشکال دیگری از مدافله را در نظر گرفت .

❖ آیا دانش آموز استقلال عمل در یادگیری و انجام فعالیت های یادگیری دارد؟

کودکی که در یادگیری استقلال عمل دارد و یادگیری را وظیفه خود می داند نسبت به دانش آموزی که نظارت مستمر را می طلبند اگر در دروسی ضعیفی از خود نشان می دهند نیازمند تکرار پایه نیستند.

❖ خود پنداره ی دانش آموز درباره ی خودش چگونه است؟

خود پنداره تصویری است که فرد از توانایی ها و ضعف های خود و به طور کلی از خودش دارد. این مفهوم با مفهوم عزت نفس ، ارتباط دارد. این سرمایه ی مهم میاتی نقش مهمی در تصمیم گیری های مربوط به تکرار پایه را ایفا می کند و عامل مهمی به شمار می رود زیرا هنگامی که یک کودک مردود می شود ، احساس می کند به عنوان

فرد شکست فورهوناتوان مورد نظر واقع شده است و این تکرار پایه موجب کاهش عزت نفس او می شود. لازم به ذکر است که در سنین پایین تر، خود را با این شکست، بهتر منطبق و سازگار می کنند.

❖ نگرش والدین نسبت به تکرار پایه چگونه است؟

مال به سوال مهم و مهم ترین قسمت میرسیم که با توجه به ضعف های موجود در یادگیری دانش آموز آیا راه هایی برای جبران آن وجود دارد؟ اگر راهی وجود دارد چه اقدامی باید کرد؟ اقداماتی که برای جلوگیری از وقوع تکرار پایه و رفع نواقص ضعف عملکرد صورت میگیرد "مدافله" نامیده می شود. رفع موانع یادگیری در موارد زیادی در زمینه وبستر هایی است که دانش آموزان در آن قرار دارند. مانند محیط خانوادگی و نابسامانی در آن، یا فقدان روابط مناسب با هم کلاسی ها و متی معلم. یادآوری این نکته ضروری است که این مدافله ها که در طول تابستان اجرا می شود، به ارزیابی مجدد عملکرد فراگیرفتم می گردد. به سفت دیگر پرفه ی بررسی عملکرد بعد از انجام این مدافله ها شکل می گیرد به این امید که دانش آموز به مد مطلوبی از انتظارات آموزشی دست یافته باشد تا ارتقاء پایه تجویز گردد.

در صوتی که پاسخ پرسش افیر "فیر" باشد اقدام و بررسی عمیق تر می شود یعنی عوامل ضعف عملکرد دانش آموز به صورت جدی تر دنبال شود مثل اقدامات مشاوره ای - پزشکی (بررسی سبب مرانها) یا نهادگی و بیماریها طولانی - اجرایی اقدامات مدافله ای در فرصت باقیمانده در شهریور یا متیدرا و ایل مهر ماه ممکن است ضعف یادگیری دانش آموز را مرتفع نماید پس باید اصل تافیر را در نظر داشت که امکان نیاز به تکرار پایه را کاهش دهد.

بعد از تبیین درست از چگونگی ضعف دانش آموز میتوان در فصوص تکرار پایه تصمیم نهایی گرفت یعنی به این پرسش پاسخ نهایی داد که "آیا تکرار پایه برای دانش آموز مناسب است؟" در صوتی که دانش آموز با توجه به عوامل زمینه ی پیشین گفته شده میتواند برای تکرار پایه معرفی شود.

(۱) نقص در رشد

عمدتا دانش آموزانی که رشد جسمانی متناسب با هم سالان خود ندارند و دارای جثه ی ریز و وضعیفی هستند گفته می شود. این موضوع بر عملکرد یادگیری آنان تاثیر منفی می گذارد. که مراجعه به پزشک و تایید او عامل مثبت در کنار سایر عوامل می تواند برای تصمیم گیری برای تکرار پایه قرار گیرد.

(۲) غیبت طولانی

مضور نیافتن در جلسات یادگیری کلاسی، خود یکی از عوامل موثر در ضعف عملکرد است، به شرطی که با عوامل دیگری چون ضعف در مهارت ها و قابلیت های اساسی در پایه همراه باشد. غیبت صرف نظر از موجه و غیر موجه بودن آن به شرط آن که با عوامل دیگری از جمله ضعف عملکرد همراه باشد، عامل مثبت در تصمیم برای تکرار پایه خواهد بود.

(۳) دیر آموزی و کم آموزی غیر موقت

باید اعتراف نمود که در عملکرد بسیاری از کودکان، ضعف و سستی مشاهده می شود. که عمدتا ضعف اینگونه دانش آموزان را می توان با تشخیص درست و به موقع واریه (راهکار) مدافله ای مناسب، رفع کرد و عملکرد یادگیریشان را بهبود بخشید. در صوتی که دیر آموزی و کم آموزی دانش آموز دایمی باشد، عامل مثبت در تصمیم گیری در تکرار پایه خواهد بود. البته لازم به ذکر است که این تصمیم توسط معلم گرفته نمی شود بلکه به صورت شورایی باید تذکر داد و با هم فکری تعدادی از کارگزاران مدرسه

تصمیم گرفته می شود. نکته ی مهم که در این جا باید تذکر داد این است که گروهی از این دانش آموزان دارای افتلالات فاص یادگیری هستند در یک زمینه ی فاص مثل ریاضی ،فوائدن و.....در این فصوص این افراد تکرار پایه سودمند به نظر نمی رسد.برای بهبود عملکرد این ها باید به مراکز فاص هدایت شوند.

حال که دانش آموز را برای تکرار پایه معرفی کردیم باید مراقبت و حمایت های لازم مناسبی را برای دانش آموز مردود شده توسط معلم ،فانواده،مدرسه تعریف کرده و به اجرا در آوریم تا آثار منفی آن کاهش یابد.

اقداماتی شامل

-تغییر معلم

-تغییر مدرسه

- آموزش مهارت های لازم برای یادگیری

- فعالیت های غنی شده .

- مراقبت های مشاوره ای و پزشکی

- پشتیبان معنوی و مادی خانواده

تحلیل تصمیم یک معلم برای تکرار پایه

روشن است امر تصمیم گیری برای تکرار پایه محتاج معلمان دلسوز.بصیر.آگاه و صبور است که از رویکرد تصمیم گیری فطی و مکانیکی دست شسته و نگاهی دیگر به تربیت و تمصیل داشته باشند به قول سهراب پیشمانشان را باید شسته باشند و طور دیگر ببینند.تمقیقات زیادی نشان میدهد که تکرار پایه برای بسیاری از دانش آموزان تکرار پایه نه تنها سودمند نیست بلکه انها را از تمصیل و آموزش نیز متنفر ساخته و متی به ترک تمصیل وا داشته است به طور کلی تکرار پایه باید با نیاز های آموزشی دانش آموزان متناسب باشد در غیر این صورت تکرار پایه به جای اینکه سودمند باشد آسیب زا فواهد بود در این حالت تکرار پایه مانند دارویی فواهد بود که مناسب نوع بیماری تجویز نشده است و بیماری را تشدید میکند .

مداخله ی آموزشی چیست و چرا؟

با توجه به اینکه یکی از ویژگی های مهم و اساسی ارزشیابی توصیفی جهت گیری اصلاحی ان است هنگامی که ضعف ها و مشکلات یادگیری دانش آموزان شناسایی شد لازم است که برای رفع ان اقداماتی نیز صورت گیرد پس دفالت کردن برای جلوگیری از روند گسترش یا تداوم ضعف ها و مشکلات یادگیری(مدافله) نامیده میشود . معلم در مدرسه با اعمال دقت و بررسی بر روی عملکرد دانش آموز تصمیم به مدافله می گیرد که این کار با جلب همکاری مدیر و اولیا عملی میشود و باید این راه مل های اندیشه شده با ویژگی های دانش آموزان و شرایط و امکانات ممیطی(فانواده و مدرسه)متناسب باشد یادمان باشد که همیشه مدافله ی آموزشی به اصلاح ضعف ها منمصر نمیشود بلکه تقویت توانایی های ویژه ی دانش آموز را نیز شامل میشود و نکته ی مهم در اینجااست که گاهی قوت های دانش آموزان برای پوشش دادن ضعف ها وسیله ی مناسبی است .

انواع مداخله‌ی آموزشی :

• آموزش دانش آموز به دانش آموز

• کلاس های فوق العاده (تکمیلی و جبرانی) در طول سال

کلاس های جبرانی به دو گونه تقسیم میشوند نوع اول کلاس هایی است که در طول سال و در مین فرایند یادگیری- یاددهی برگزار میشود نوع دوم کلاس هایی است که انهارا در پایان سال و در اوقات تابستان برگزار میکنند

• آموزش ویژه ی والدین

• آموزش روش های مطالعه

• آموزش روش های یادگیری

• ارایه تکالیف درسی ویژه متناسب با نیاز های آموزشی دانش آموز

• گفت و گو با والدین دانش آموز و آگاهی دادن به آنها در جهت حمایت بیشتر دانش آموز

• مدافله ی حمایت_مدد کاری

• مدافله های مشاوره ای

• مدافله های توانمند ساز

و در افرهم صمیع به نظر می رسد هر فعالیت های ویژه ای که معلم برای رفع موانع یادگیری دانش آموز انجام می دهد.

چند نمونه از تکالیف ترمیمی اینجا مطرح می شود.

تکلیف ترمیمی (اصلاحی)

هدف : ترمیم و اصلاح نقاط ضعف دانش آموزان

هر نوع فعالیتی که از سوی معلم در راستای برطرف شدن و ترمیم و اصلاح نقاط ضعف دانش آموزان در نظر گرفته شود و توسط دانش آموزان انجام شود، تکلیف ترمیمی محسوب می شود.

مصادیق : ضعف دانش آموزان در حافظه دیداری :

(اشتباه نوشتن مروف چند شکلی مثل مقسود به جای مقصود)

تکلیف ترمیمی :

۱- فهرستی از کلمات درس با مروف چند شکلی تهیه نماید.

۲- درس را بخواند سپس کتاب را ببندد و کلماتی را یادش مانده در دفتر بنویسد.

۳- بین سه تا نه کلمه به دانش آموزان نشان داده شود بعد با مخفی کردن کلمات ، دانش آموزان آنها را بگویند و بنویسند.

و ...

مداخله های آموزشی:

تعریف:دفالت کردن برای جلوگیری ازروندگسترش یا تداوم ضعفهاومشکلات یادگیری را«مدافله» گویند.

یابه عبارتی: هدف موانع پیشرفت وازبین بردن دلایل وعوامل ضعف عملکرددانش آموزان.

مداخله با جلب همکاری مدیریت مدرسه و والدین صورت متناسب با شرایط و امکانات محیطی (مدرسه و خانواده) باشد.

گاهی بعضی قوت‌های دانش آموز برای پوشش ضعف‌هایش وسیله ای مناسب است.

انواع مداخله های آموزشی (پیشنهادی):

- آموزش دانش آموز به دانش آموز
- کلاسهای فوق العاده (تکمیلی و جبرانی) در طول سال تحصیلی
- آموزشهای ویژه به والدین
- آموزش روشهای مطالعه
- آموزش روشهای یادگیری
- ارائه تکالیف درسی ویژه ؛ متناسب با نیاز آموزشی دانش آموز
- گفتگو با والدین و آگاهی آنها در جهت حمایت دانش آموز
- مداخله های حمایتی و مددکاری (کاهش مشکلات مالی و رفتاری) با حمایت انجمن اولیا و مربیان و نهادهای خیریه
- مداخله های مشاوره ای؛
- مداخله های توانمندساز.
- نظارت و ارزیابی

مراحل مداخله آموزشی:

تعریف مشکل و علت یابی آن. شناخت راه حل و بررسی روش یا روشهای مقابله با مشکل (با توجه به شرایط و امکانات) اجرا (همکاران و حامیان نظارت و ارزیابی)

مصادیق مراحل مداخله:

معلم از بررسی وضعیت یکی از دانش آموزان متوجه می شود که به نحو غیر قابل انتظاری در نوشتن و خواندن حرف (ف) مشکل دارد.

این موضوع عجیب بود زیرا او در یادگیری بقیه نشانه ها و موضوعات مشکلی نداشت. به این موضوع دقیق می شود و پس از پیگیری روشن می شود که روز تدریس این نشانه دانش آموز غیبت داشته و تکرار آن در روز بعد کافی نبوده است (شناسایی مشکل). با درک علت مسئله ؛ معلم تصمیم می گیرد در یک فرصت مناسب مجدداً به او نشانه (ف) را تدریس کند (شناسایی راه حل).

تکالیف ترمیمی:

هدف: در واقع فرصت یادگیری جدید و دوباره ای است برای دانش آموزانی که نیاز ویژه آموزشی دارند. و این نیاز ویژه با مطالعه عملکرد دانش آموز و تحلیل و تفسیر فضاها و موفقیت‌هایش شناخته می شوند.

- نمونه:** طبق بررسیهای معلم؛ علت فطاهای نوشتاری دانش آموزی «کم دقتی» بوده است. معلم با مطالعه منابع تفصیلی برای بهبود و رفع این مشکل فعالیتهای زیر را طراحی می کند:
- ✓ فهرست کلماتی را که بخشی از آنها مذف شده است را بخواند و کلمات درست را بنویسد.
 - ✓ فهرستی از کلمات که یک حرف از آنها اضافه است را بخواند و اشکال کلمه را شناسایی و درست آن را بنویسد.
 - ✓ املای چند نفر از همکلاسی هایش را تصحیح کند.

نکته:

۱. در اجرای این تکالیف؛ نقش والدین بسیار مهم و محاساس است.
۲. شناخت دقیق مشکل معلم را در طراحی تکالیف کمک می کند.
۳. چنانچه مشکل دانش آموز (افتلال فاص یادگیری) باشد؛ بایستی به مراجع صلاحیت معرفی شوند. درنمایه اصلی الگوی ارزشیابی کیفی توصیفی؛ تصمیم های سازنده است که در جریان ارزشیابی ها رخ می دهد؛ کهبایستی در سمت وسوی اصلاح و تقویت جریان یادگیری و درمان ضعفهای آن باشد.

تصمیم گیری آموزشی به شکل متمایز صورت می گیرد:

- ۱) اصلاح و بهبود تدریس و وسایل و ابزارهای آموزشی
 - ۲) طراحی و ارائه تکالیف ترمیمی
 - ۳) طراحی و اجرای مدافله های آموزشی
 - ۴) تصمیم گیری درباره ارتقاء یا تکرار پایه.
- سه شکل اول فرایندی هستند و در جریان یادگیری و باهدف بهبود یادگیری صورت می گیرد. و شکل آفر؛ تصمیم پایانی است وقتی دانش آموزی در طول سال تحصیلی به اهداف مورد نظر کتاب دست پیدا نکند؛ معلم می تواند برای جبران ضعفهایش دوره را انتخاب کند.
۱. تکالیف ترمیمی یا اصلاحی
 ۲. مدافله آموزشی.

اصلاح و بهبود تدریس و وسایل و ابزارهای آموزشی همان مدیریت یادگیری در کلاس است .

این شکل تصمیم گیری به معلم کمک می کند تا در جریان تدریس و یاددهی تغییرات مثبت و سازنده ای ایجاد نماید؛ روشهای مناسب برگزیده؛ ابزار و وسایل ویژه ای را طراحی و تولید و بکاربرد.

مراحل طراحی و اجرای تکلیف ترمیم

۱. **تعیین هدف:** (رفع یا اصلاح ضعف یادگیری) است و مستلزم دقت در شناسایی مشکل است که از راه جمع آوری اطلاعات از وضعیت دانش آموز به دست می آید
۲. **طراحی فعالیت:** برای اینکار؛ دقت در تفاوتهای زیر بسیار ضروری است: الف) تفاوت در نوع هوش دانش آموزان

ب) تفاوت در علایق فردی

ج) تفاوت در امکانات مدرسه

د) تفاوت در شرایط خانوادگی مثل سوادفواندن.

۳. تمویز فعالیت: در این مرحله هم دانش آموز هم والدین و گاهی همکلاسیهای او برای نوع فعالیت فواسته شده برای رفع مشکل توجیه فواهندشد.

۴. نظارت: بررسی روند اصلاح و بهبود عملکرد دانش آموز به جهت اثربخشی.

مصداق مراحل طراحی تکلیف اصلاحی

• معلمی با بررسی فعالیتهای یکی از دانش آموزانش (مصمدم) متوجه می شود که او در شمارش اعداد «توالی» مشکل دارد. بر اساس این مشکل و برای افزایش مهارت شمارش مصمد: برایش تکلیفی طراحی می کند

هدف

• به این صورت که دانش آموز: به مدت یک هفته و روزانه: تعدادی از اشیای مختلف منزل مانند قاشق ها، پنگالها، گلدانها، لیوانها و... (ابشمار) در فهرستی تنظیم و به معلم تمویل دهد

تولید تکلیف

• این کار با هماهنگی مادر در منزل انجام می شود

تجویز

• آزمونهای بعدی که از مصمد به عمل می آید نشان از بهبود مهارت شمارش وی دارد

نظارت و ارزیابی

در ارزشیابی کیفی - توصیفی این فعالیت مورد توجه اساسی تری قرار دارد

طراحی یک مدافله ی موثر در سطح کلاس تابع عواملی است:

۱_ بینش و فهم تربیتی معلم

۲_ امکانات موجود یعنی قابلیت اجرایی داشتن

۳_ علایق و توانایی دانش آموز یا دانش آموزان

۴_ ضعف ها و قوت های دانش آموز یا دانش آموزان

مراحل طراحی و اجرای مداخله



ارایه راهکار قابل درک و عمل واجرا

در قسمت های قبل اشاره بیشتر بر راهکارهای عملیاتی در مین سال بود اما حالا اشاره داریم به دانش آموزی که در طول سال با تمام مدافله ها و اقدامات نتوانسته مد قابل قبول برسد نیاز به تلاش بیشتر دارد . حال باید چاره ای اندیشید که این دانش آموز در پایان مرداد ماه تکرار پایه نشود

ابتدا باید به عوامل تاثیر گذار بر کمیت مردودی دانش آموز از نگاه پژوهش ها بیندازیم

۱)جنسیت

۲)دانش آموزان با نیاز ویژه

۳)عوامل مادی و مالی

۴)کلاس های پند پایه

۵)عدم تجربه و تفصص معلم و سایر نیروهای آموزشی

۶)ضعف مرفه ای معلمان (ورودی نامناسب از طریق آزمون مق التدریس ها-شرکتی-نیروهای مازاد متوسطه-

نیروهای پیش دبستانی-سرباز معلمان-و.....)که به اندازه د کافی آموزش ندیده .در مواردی انگیزه لازم را ندارند.

۷)جمعیت روستای

۸)نرخ باسوادی والدین

۹)دو زبانه بودن

۱۰)قوانین ومقررات

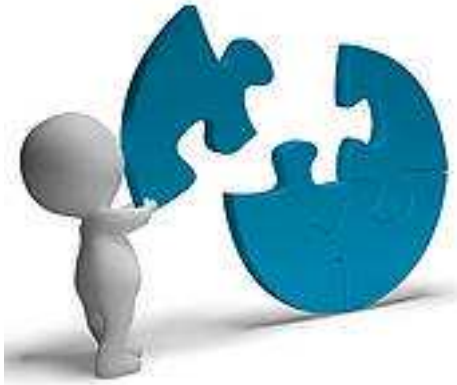
۱۱)تراکم بالای کلاس خصوصا در کلاس اول

۱۲)ممتوای برنامه درسی (متمرکز)

۱۳)منابع وامکانات آموزشی

۱۴)رسانه های ارتباط جمعی

حال باید راهکار ارایه شود .



بانجام جلسات متعدد هم اندیشی در مناطق و نوامی در استان های مختلف .نظرات و پرسش های آموزگارانو مدیران در مورد آیین نامه ی ارزشیابی کیفی-توصیفی مورد ارزیابی قرار گرفت که پالش های زیر در آیین نامه مشهود بود

۱)درج غیبت های طولانی دانش آموزان (در آیین نامه کمی قید شده بود که در صورت غیبت موجه یا غیر موجه.تکلیف دانش آموز چه فواهد شد ولی در ماده ۴ آیین نامه کیفی تدبیری برای درج غیبت دانش آموز نشده است وهمین امر باعث شده که دانش آموزان غیبت طولانی داشته باشند واز جریان یاددهی-یادگیری دور بیفتند بدون آنکه از آنان باز فواستشود .

۲)تبصره ماده ۷ شرط ارتقا دانش آموزی که در یکی از دروس فارسی وریاضی باسایر دروس به سطح قابل قبول نرسیده باشند به پایه بالاتررا طرح در شورای مدرسه یاد می نماید در صورتی که این دست از دانش آموزان بدون اظهار نظر شورا به صورت اتوماتیک توسط نره افزار ارتقا پایه می یابند وجایی برای ثبت صورت جلسه ونظر شورای مدرسه در نظر گرفته نشده است .

۳) در ماده ۱۹ شرط سنی برای داوطلبان آزاد ۱۴ سال قید شده که باورود به پایه ی ششم دتصویب شورای عالی به ۱۵ تغییر داده شود .

۴) در آیین نامه ماده ۷ تبصره ۳ که در شهریور قابل اجراست اشاره میکند که دانش آموزی شرایط ارتقا به پایه ی بالاتر را دارد که در ارزشیابی فرایندی که تا ۱۵ شهریور در قالب پروژه-آزمون عملکردی- تکلیف بسطی - امتدادیو.....(طبقماده ۶ بهعملفواهدآمدسطمقا بلقبولراکسبکردهباشد)و از تاریخ ۱۵ شهریور تا شروع سال تحصیلی تکلیف دانش آموزی که سطح قابل قبول را کسب نکرده باشد روشن می شود اگر دو درسی که در آنها نیاز به تلاش بیشترکسب کرده بود (فارسی و ریاضی) به پایه ی بالاتر ارتقا پیدا نخواهد کرد.

(البته لازم به ذکر است که مضمون یکی از والدین در این جلسه الزامی است . اما نکته جالب اینجاست که بیشتر همکاران فوب ما همه دانش آموزان یک کلاس را باسطح فیلی فوب یا فوب در نوبت فرداد ارتقا می دهند چون دوست ندارند تعطیلات تابستانشان فراب شود . چون مدیر هم دوست دارد درصد قبولی آموزشگاه ممل خدمت او صد باشد .)

اما دانش آموزی که در این نوبت مقیاس نیلز به تلاش بیشتر کسب کرده است طبق بند ۶ آیین نامه باید در کلاس های جبرانی شرکت نماید وفعالیت هایی را انجام دهد اما عملا این دانش آموز نیز تا شهریور که از او مانند نظام کمی آزمون به عمل آید تعطیل است چون:هیچ اضافه کار یا امتیازی برای آموزگاران در نظر گرفته نمی شود تا انگیزه ای برای صرف زمان به فاطر این دست دانش آموزان داشته باشند تعداد این افراد کم است و مدیران و کادر مدرسه در این ایام مشغول اموری مثل پروژه ی مهر هستند حاضر به قبول مسیولیت رفت و آمد ورسیدگی به امور ایشان نیستند .

راهکار

۱)استقرار پایگاه هایی در مناطق ونوامی .مخصوصا در مناطق دو زبانه برای دانش آموزان بدو ورو (زیرا بیشترین تکرار پایه درپایه ی اول می باشد . بدین صورت کهمناطق ونوامی قطب بندی شوند ودر هر قطبی پایگاهی برای این دانش آموزان معرفی شود پایگاه دو زبانه سال های گذشته هم موجود بوده وهدف دوره آمادگی یک ماهه .آموزش به دانش آموزانی است که در این مناطق دوره پیش دبستانی را نگذرانند ولی پیشنهاد ما این است که برای دانش آموزانی که سطح نیاز به تلاش بیشتر کسب کرده اند در مدتی که تا ۱۵ شهریور زمان دارند به دلایل خاص مثل کم بودن تعداد آنها. بی رغبتی آموزگار مربوطه که انگیزه ندارد تعطیلاتش را از دست بدهد پایگاه هایی از این دست به صورت متمرکز در نظر گرفته شود که به مد نصاب یک کلاس جبرانی مثلا ۱۵ نفر برسد و معلمی هم مامور آماده کردن آنها تا نوبت شهریور بشود .

۲)تعریف تعدادجلسات جبرانی برای این دانش آموزان به صورت مد اقل و مداکثردر نظر گرفتن اضافه کاری برای آموزگاران داوطلب تدریس در این پایگاه ها

۳)امسال در استان اصفهان برایکلیه دانش آموزان در تابستان به مدت ۱۰ هفته تکالیف هدفمند در نظر گرفته شده که هر هفته تولید واز طریق اتوماسیون به مدارس ارسال ومدارس اقدام به تکثیر این دستور کارها می کنند و بچه ها باید در یک دفترچه کار انجام دهند

نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی در ارتباط ارتقاء

ایران:



تکرار پایه نظریه حمایت می‌شود. اول این نظریه که افت تمصیلی را به ضعف‌های فردی نسبت می‌دهد. براساس آن در هر شکست نقش ضعف‌های فردی جدی است. بنا بر این فرد بایستی خود را با نظام آموزشی منطبق سازد. نظریه دوم از روانشناسی رفتار گرایی سرپیشمه گرفته است، که تکرار را از اصول اساسی یادگیری می‌داند در حقیقت این دونه نظر به که مکمل همدیگر هستند در دیدگاه‌های جدید مورد مناقشه جدی قرار گرفته اند و به سفتی می‌توان آن را مبنای ممکن برای تکرار پایه دانست. بر این اساس می‌توان گفت که تکرار پایه سیاستی نیست که شواهد و قراین از آن حمایت کنند و بایستی به دقت مورد نقد قرار گیرد. و پاره ای برای آن اندیشیده شود. این سخن به آن معنی نیست که ما به سرعت به آن سوی طیف یعنی ارتقاء خود بفود تمصیلی ساده حرکت کنیم. کاری که در دهه سی در کشور ما توسط دکتر محمود مهران – وزیر وقت آموزش و پرورش – تجربه شد. این سخن به این معنی است که به دنبال راه و شیوه ای متعادل و میانه ای باشیم که اساس آن بر پیشرفت و رشد باشد نه شکست. یافتن این راه میانه کاری بس مشکل است و تلاش فکری و مجاهدت فراوانی را از سوی کارگزاران نظام آموزشی طلب می‌نماید. نه شیوه تکرار پایه و نه شیوه مقابل آن یعنی ارتقاء خود بفود ساده – مذب تکرار پایه – هیچ یک به ضعف عملکرد تمصیلی کودک توجه نمی‌کنند. اولی با نادیده گرفتن نقص و ضعف عناصر دیگر و دومی با نادیده گرفتن ضعف خود کودک، هر یک به گونه ای مشکل ضعف عملکرد کودک را از سر خود باز می‌کنند. بایستی به شیوه ای اندیشید که محور اساسی آن کیفیت عملکرد دانش آموز باشد.

ژاپن:



در ژاپن هیچ گونه امتحان نهایی وجود ندارد. رفتن به کلاس بالاتر براساس ارزشیابی داخلی انجام می‌گیرد و در رفتن از کلاسی به کلاس بالاتر در مرحله آموزش اجباری تا کلاس نهم به صورت خودکار و قطعی است (همه چیز براساس ارزشیابی مستمر صورت می‌گیرد)

ترکیه:



طی سه سال اول دبستان دانش آموزان براساس فعالیت‌های کلاسی ارزشیابی شده طی سال‌های چهارم و پنجم مداکتر دو آزمون کتبی برای ارزشیابی برگزار می‌شود در مرحله دوم آموزش ابتدایی (ششم تا هشتم) مذاقل دو آزمون کتبی و یک آزمون شفاهی برای هر درس برگزار می‌شود به دانش آموزی که این مقطع را با موفقیت به پایان برساند گواهینامه اعطا می‌شود. سیستم نمره دهی به این صورت است: عالی، فوب، رضایت بخش، قبول، مردود

آمریکا:



نمونه نمره دهی در ایالت‌های مختلف بایکدیگر متفاوت است اما اکثر آنها با سیستم توصیفی صورت می‌پذیرد اغلب مدارس متوسطه از نظام ارزشیابی استفاده می‌نمایند که معروف الفبای A, B, C, D و گاهی E, F معروف ابه معنی ناتمام تشکیل یافته است این معروف به نمرات عددی وابسته و مربوط هستند:

مردودی = F قبولی = D عالی = A

سوئد:



در مدارس سوئد امتحان نهایی وجود ندارد در دوره آموزش اجباری به جز تعداد محدودی از دانش آموزان بقیه به کلاس های بالاتر می روند و قبولی یا مردودی مفهومی ندارد در سال دوبار (آفر پاییز و بهار) به دانش آموزان هشتم و بالاتر نمره داده میشود نمرات با اعداد ۱ تا ۵ مشخص میشود

آلمان:



معلمان دانش آموزان را بر اساس امتحانات کتبی، شفاهی، انجام تکلیف درسی و مشارکت فعال دانش آموزان در کلاس ارزیابی میکنند نتیجه امتحانات به صورت کتبی (به ویژه در دوره ابتدایی) یا بر اساس نمره گزاری در مقیاس ۶ نمره ای به اطلاع اولیا می رسد

اسپانیا:



بر اساس مقررات جدید ارزشیابی در مقطع پیش دبستانی به صورت مستمر و به صورت فودکار فواید بود در دوره ابتدایی و متوسطه اطلاعات لازم برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان باروش های مختلف از قبیل مشاهده منظم، تحلیل تکالیف درسی، آزمون های کتبی و شفاهی و عملی جمع آوری فواید شد در صورتی که بررسی ها نشان دهند دانش آموز به هدف های مورد نظر نرسیده است باید سال تحصیلی را تکرار کند تکرار پایه در هر دوره فقط یکبار و در مجموع در طی ۱۰ سال آموزش اجباری دوبار امکان فواید داشت.

کانادا:



در کانادا نیز نظام ارزشیابی در ایالات مختلف متفاوت است اما در کل ارزشیابی به صورت نمره گذاری انجام می پذیرد به عبارت دیگر سطح نمره از ۱۰۰-۰ مناسبه میشود

بلغارستان:



در بلغارستان دانش آموزان دوره ابتدایی به طور فودکار و بر اساس سن به کلاس بالاتر می روند و در دوره های پیش متوسطه، متوسطه، و دانشگاهی، وضعیت تحصیلی دانش آموزان بانمرات ۲ تا ۶ مشخص میشود نمره ۲ به معنای ضعیف است و دانش آموز باید مجددا در امتحان شرکت کند. نمره ۳ به معنای رضایت بخش بودن، نمره ۴ خوب، نمره ۵ خیلی خوب، و نمره ۶ عالی است دانش آموزان ضعیف باید پایه تحصیلی را تکرار کنند.

غنا:



ارزیابی نهایی دانش آموزان مقطع ابتدایی در انتهای دوره آموزشی پایه و ارزیابی دانش آموزان نظام آموزشی تکمیلی متوسطه به دو مولفه ی ارزیابی مداوم داخلی و برگزاری امتحانات جامع فارجه تقسیم میشود که شورای بازرسی های غرب آفریقا برگزار می کنند گفتنی است اجرای ارزیابی های داخلی آموزشی ۳۰ درصد از نتیجه ارزیابی و ارزیابی های فارجه ۷۰ درصد از نمرات نهایی دانش آموزان دوره متوسطه را شامل میشود

سیستم نمره دهی معمول در مدارس مقدماتی و تکمیلی متوسطه کشور غنا:

۱) نمره ۱ یعنی عالی

۲) نمره ۲ یعنی بسیار خوب

۳) نمره ۳ یعنی خوب

۴) تا نمره ۸ یعنی قبول

۵) نمره ۹ یعنی مردود

مکزیک:



معیار نمره دهی از ۰ تا ۱۰ است و نمره ۶ حداقل نمره قبولی است .

امارات:



سیستم نمره دهی موسسات آموزش عالی کشور امارات متمدن عربی به شرح زیر است :

۱) کل نمره : ۱۰۰-۵۰ در صد

۲) بالاترین مقیاس ۱۰۰ در صد

۳) سطح قبولی / مردودی : ۶۹-۶۰ در صد

۴) کمترین مقیاس : ۵۰ در صد

نروژ:



سیستم نمره دهی نظام آموزشی متوسطه از صفر تا شش متغیر است

۱) بالاترین نمره: ۶

۲) نمره قبولی ۲

۳) پایین ترین نمره صفر

استاندارد های سیستم آموزشی آمریکا

هر دانش آموزی معمولاً در پایان ترم و سال تحصیلی باید به توانایی ها و مهارت های خاصی در دروس مختلف دست یابد سطح این توانایی ها که هر توانایی را به ۴ سطح ، زیر استاندارد - نزدیک به استاندارد - در سطح استاندارد - بالاتر از استاندارد تقسیم شده ثبت می شود و در اختیار دانش آموزان و اولیا گذاشته می شود دانش آموزانی که در چند درس زیر سطح استاندارد هستند باید در تابستان و پس از شرکت در کلاس های تابستانی مجدداً در آن درس امتحان بدهند نمره نیاورند در سه ماده درسی نیز به معنی رفوزه شدن در آن کلاس است .

هنوز قوانینی هست که مشخص می کند آیا بچه باید یک کلاس را در دوره دبستان تکرار کند یا نه .

در صورتی که کودکی معدلی را که باید داشته باشد بدست نیاورد باید یک کلاس را تکرار کند این کار فقط برای کودکان کلاس اول انجام نمی شود چون آنها هنوز نمره نمی گیرند .

در صورتی که واقعا نیاز به تکرار کلاس اول باشد باید معلمین با اولیا ی کودک صحبت کنند و بگویند که آیا بهتر نیست کودکان کلاس را دوباره بخواند .

بهتر حالت تکراریک کلاس از سوم به چهارم است به این علت که در آلمان کلاس چهارم به علت اینکه پایان دبستان است نمی تواند تکرار شود . بخصوص در دوران دبستان والدین باید به مرف معلمین گوش دهند چون

پایه ی ابتدایی برای دوره های بعدی مدارس مهم است. در صورتی که کودکی درست اینها را یاد نگیرد تا پایان عمرش مشکل خواهد داشت. و این چیزی نیست که والدین برای فرزندانشان بخواهند. در کشور آلمان دوران ابتدایی از سال ۱۹۶۰ شامل کلاس های اول تا چهارم می باشد تنها در استانهای برلین و برندن بورگ دوران ابتدایی ۶ سال است به این معنی که کودکان از سن ۶ تا ۱۰ سالگی در مدارس ابتدایی هستند.

در صورتی که کودکی کلاسی را باید تکرار کند مهم است که دنبال علت های آن بگردیم. آیا کودک مشکلات درسی و یادگیری دارد؟ و یا افتتال در طریقه برداشت از محیط اطرافش داشته باشد؟ و یا مشکل دیگری دارد؟ کودکان می توانند به صورت دلفواه نیز کلاسی را تکرار کنند که این حالت با تکرار کردن اجباری فرق دارد تکرار اختیاری یک کلاس یعنی دانش آموز نمرات قبولی در یک کلاس را آورده است و می تواند به کلاس بالاتر برود ولی باز هم تصمیم می گیرد کلاسی را تکرار کند.

در این صورت باید والدین وی تقاضایی بنویسد که تا قبل از پایان نیمه اول مدارس بتواند به کلاس پایین تر برود.

با توجه به مطالب ارائه شده در مورد ارزشیابی و ارتقا و تکرار پایه میشود نتیجه گرفت که: تکرار پایه در بیشتر کشورها امری محال نیست، همچنین هر کشوری براساس موقعیت جغرافیایی و وامکانات و..... با تکرار یا ارتقا برافورد می کند و هیچ وقت به خاطر این که یک کشوری مثل ژاپن تکرار پایه ندارد اهداف آموزشی خود را نادیده نمی گیرد و تقلید کورکورانه انجام نمیدهد، که این کاری بس خطرناک برای آموزش یک کشور است، و در آخر توصیه میشود به جای اینکه فکر کنیم کشوری تکرار پایه ندارد ما هم باید دنباله (روی آنها باشیم به دنبال یاد گیری روش ها و راه مل هایی که آن کشور ها برای آموزش بهتر انجام میدهند را بیاموزیم).

منابع مورد استفاده:

آیین نامه ارزشیابی کیفی توصیفی .

حسینی، محمد (۱۳۹۳)، راهنمای اجرای ارزشیابی کیفی توصیفی در دبستان، تهران: انتشارات عابد

قره داغی، بهمن (۱۳۹۴) باز خورد پایانی. تهران. زنده اندیشان

قره داغی، بهمن (۱۳۹۴) صفر تا بیست ارزشیابی برای یادگیری. تهران. زنده اندیشان

ماهنامه اندیشه معلم شماره ۱۹.